



حب ریاست

منشأ گناهان بزرگ

ای خدا پیامبر گرامی میفرماید: ای بشر وقتیکه یک چنین مقامی را پیدا کردید حیا کنید من روایتی را نقل کرده‌ام برای دوستان که اینجا با این مورد مناسب است و میترسم تکرار بشود ولی باز گوشزد میکنم شاید آن مجتمعی که گفته‌ام کوچکتر بود از این مجمع امروز ما، روایت این است آنکه که حضرت یوسف به مقام ولایت و امامتش رسید یعنی کشور مصر در اختیار یوسف قرار گرفت و رئیس مطلق الهی و ملی شد و همه اختیارات بدست این مرد افتاد و اوضاع کشور در تحت سلطنت و سیطره اش قرار گرفت در یک تفسیر دیدیم که شاید در منهج الصادقین این جمله باشد، روزی یوسف بزرگ آمد لباسها را کند دو تا لباس نو و پاکیزه پوشید و وضو گرفت و در خلوت بدون اطلاع کسی از شهر بیرون رفت، لب آبی ایستاد و قدم صف کرد و بطرف... تکبیر گفت و نماز خواند، نمازش تمام شد سجده ای کرد و عبادتی و سپس دست بدعا بلند کرد و آیه ای که در آخر سوره یوسف است خواند: رَبِّ كَذَّبْنِي مِنَ الْمُلْكِ وَ عَلَّقْنِي مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ فَأَخْرَجْنِي مِنَ الْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ

توجه به مفهوم آیه کنید پروردگارا از میان چاهم در آوردی از میان زندانم نجات دادی و به مقام سلطنت الهی رساندی پیامبری به من دادی پروردگارا توفنی مسلما روح مرا از این قفس بگیر و این قفس را بشکن تا این روح بجای دیگر پرواز کند. یعنی درخواست مرگ کرد همان حال جبرئیل امین به حضور یوسف وارد شد گفت یوسف جان ریک بیلغک السلام خدایت سلام میگوید چه؟ یعنی یوسف داری برای خودت مرگ میطلبی چه شده مگر؟ یوسف تو آنی که در بحران جوانی با

مهمترین جرمها و مهمترین کارها از این حب ریاست پیدا میشود این یکی از مهمترین مطالبی است که انسان باید بهش توجه کند و بزرگترین گناهان از این راه پیدا میشود و این حب ریاست و این حب نفس است که در دنیا عظیم ترین جنایتها را ایجاد کرده، آن مردک صدام این همه انسان کشته این همه تلفات مالی و جانی به کشور خودش وارد کرده به کشور دیگر وارد کرده منشأش چیست، همان است که در سر دارد آن آرزوی شوم و آن حب ریاست چه میکند این حب ریاست در انسان، و لذا در یک روایتی این جمله وارد است:

رمة بزرگ گوسفند، شبانش در خواب فرو رفت از دو طرف دو گرگ گرسنه زاری یعنی عادت دارند به خوردن گوشت بعضی از گرگها در صحرا گوشت پیدا میکنند قانع اند و مستضعف، علف میخورند بعضی از گرگها عادت دارند از هر کجا باشد باید خودش را به گله ای بزند و عادی به خوردن گوشت است یک چنین گرگی را زاری میگویند و برخی گفتند عادت بخوردن گوشت انسان دارد یک چنین گرگهایی در یک گله ای که شبانش نیست اگر چند تا گوسفند را در مقابل خودش دید دیگر عشق خوردن از بین میرود یک شوق دیگر پیدا میکند یک وجد و نشاط دیگر پیدا میشود و آن کشتن است خفه کردن میاید حلقوم یکی را میگیرد محکم میفشارد تا بمیرد بیاندازد برود سراغ دیگری، پیامبر میفرماید: اگر قطع غنم و رمة ای را که دو تا گرگ این رقمی از اول و آخر وارد بشود و صاحبش هم نباشد این دو گرگ برای این گله چه میکنند آن ضرر را نخواهند زد که حب ریاست بر ایمان یک انسانی آن ضرر را میزند بر عقل انسانی آن ضرر را میزند بر دین انسانی آن ضرر را میزند بر رحم... اسوا استعیاء -

مقدمه:

دوسله درسهاتی که تحت عنوان عرفان عملی در اسلام، از استاد بزرگ اخلاق و عرفان، حضرت آیت... مشکینی از نظر شما خوانندگان عزیز گذشت، مطالبی بیامون اصول اخلاقی، گناهان و مبارزه با آنها، مرض های روحی انسان و نحوه علاج آنها و... را مطالعه نمودیم، در شماره قبل نیز مسئله حیا و انواع آن را مورد بررسی قرار دادیم، در این شماره مسئله حب ریاست و نقشی که در روح و روان انسان دارد و گناهانی را که این مسئله ایجاد می کند، از نظر شما می گذرد

❖ اگر دو گرگ گرسنه بر گله ای حمله کنند که صاحبش نیست، آن ضرر را نخواهند زد که حب ریاست بر ایمان یک انسانی آن ضرر را می زند.

❖ هر گاه به سجده می روید و سبحان... می گویند و او را به تنزیه یاد می کنید مثالش به خود برگردید و بگویند ای خدای منزه، تو خود پاکیزه ای من هم ایستادم تا پاکیزه ام گردانم و مغز و دلم را از این آلودگی های خطرناک پاک

نمانی

الهام از...

صدام که بداخل آدم نیست! - مراچه نیستیم بلکه تجاوز کاران بین‌المللی هستند که در پشت صدام و حزب بعث، سنگر گرفته، و انقلاب اسلامی را نشانه می‌زنند پس بجاست که سلاله رسول ا... فریاد برآورند: «کارما، آن که در رأس امور است - همه میدانید که - الآن جنگ است. اگر این (جنگ) حل شود، مسائل دیگر چیزی نیستند، حل میشوند»

و در ادامه رهنمود حل مسئله جنگ گفتند: «اشخاص اگر احتیاج باشد، واجب است بروند به جبهه ها و اگر احتیاج نباشد، نه، لازم نیست.» چون «من به الکفایه» وجود دارد و از طرف دیگر هنوز وجوب عینی پیدا نکرده است. امام امت همچنین بیان داشتند که «من هم امیدوارم انشاء... که این جنگ بزودی تمام شود. و بنفع شما تمام شود. و به نفع اسلام تمام شود.» آنگاه ضمن اشاره به حدیث شریف نبوی «ان اخوف ما اخاف علیکم اثنان اتباع الهوی و طول الاهل» بیشترین ترس من بر شما دو چیز است. پیروی هوای نفس، و آرزوهای دراز و طولانی - مردم و مسئولین را دعوت به تقوی و پرهیز نموده و فتای اینجهان و بقای جهان آخرت را گوشزدمان فرمودند. باشد که در پرتو این رهنمودهای ارزنده، شکر نعمتهای الهی را بجای آورده، شایسته خدمت به بندگان خدا را، برای رضای او، تحصیل کنیم. انشاء...»

تشنه گامانی...

از پاهایش راقطع کرد. شهادت یاران و برادران نیروی عجیبی به ماداده بود. مجروحین درحالیکه خون از بدنشان فوران می‌کشید خدارا می‌خواندند و نام حضرت رسول اکرم و مهدی (ع) را فریاد می‌کشیدند. یکی از برادران درحالیکه به شدت زخمی شده بود دستهایش را بطرف آسمان دراز کرد و فریاد کشید: خدایا بحق این خون ریخته شده‌ام. امام را سلامت دار.

موی بردنم راست شد. خدایا اوچه میگوید، باین حال ضعف از توجه می‌خواهد. فتبارک الله احسن الخالقین
«درک امامت و ولایت جامعه را خداگونه میکند»

ماهمچنان بروی دشمن آتش می‌گشودیم. نیروها و امدادهای غیبی الهی به کمک مامیآمد.
بیرمردی باصفا درنیمه های شب بامناجاتی و راز و نیازش به برادران حال میداد. آنچه که ازایشتر و عشق برادران دیدم درحوصله این مقل نیست لکن تنها میتوان گفت که آنجا وضعیتی است که معنای جهاد و قدرو ارزش مجاهد فهم میشود و انسان معجزاتی را نظاره میکند که نشان از قدرت خداوندی و امدادهای غیبی الهی دارد.



اولیاء... بکنم که اگر آنها واسطه نباشند ما نمیتوانیم به مبداء خودمان برسیم درباره امامان ما، اصول کافی در جلد اولش روایات زیادی نقل کرده، انمه علیهم السلام وساطت در تکوین و وساطت در تشریح دارند و تا وساطت دارند یعنی خدا عالم وجود را به وساطت آنها آفریده است «وَبِكُمْ نُنشِئُ...» و بَكُمْ يَخْتِمْ» و سپس برنامه های آسمانی و علوم و معارف اسلامی به وساطت آنها بما رسیده است لذا راه ما به سوی ا... اهل بیت عصمت است، و هر کس خیال میکند از غیر این راه میتواند به ا... تقرب جوید اشتباه کرده است. امام حسن، برای آن کسانی که خیال میکنند از غیر این راه میتوانند به خدا برسند این عبارت را فرمود: میخواهید به شرق سفر کنید یا میخواهید به غرب سفر کنید اگر بخواهی به خدا برسی از کانال ماها باید برسی، ای ولی عصر ای امام ما ای کسی که چشمها در انتظار اصلاح خانه دنیای بشریت است، السلام علیک یا حجه ا... آقا میخواهیم از کانال تو، از راه تو از راه احسان توبه ا... برسیم امید است انشاء... عرایض ما به حضورت برسد و وسیله تقرب ما بشوی از ا... در خواست کنی که این صفت را ما که امروز میخواهیم از خدا بگیریم، این صفت را در تمام ابعادش انشاء... به ما نصیب بفرماید. پروردگارا به حق محمد و اهل بیتش دلهای همه ما را به نور ایمان و اهل بیتش منور بفرما، پروردگارا عمر امام و رهبر کبیر انقلاب را مستدام بدار - دشمنان دین و خائنین قران را از صفحه روزگار برانداز.

ادامه دارد

قیافه های جذاب روبرو شدی محکوم نفس شدی، مغلوب نفس شدی تو در زندانها پسر بردی شهادت از دست ندادی و عظمت روح تو بر آنها پیروز شد تو مدتها در چاه بودی و چنین شکوه ای نکردی حال که تمام امور در زیر نظر تو افتاده چته؟ برای چه از خدا طلب مرگ میکنی «رب قد اتیتنی من الملک» - خدایا مرا از دنیا بپیر «توفنی مسلما والحقنی بالصالحین». دنبال این روایت این را امام صادق نقل میکند بعد یک جمله میگوید میفرماید: «لقد خاف افتنه یوسف میدانید از چه ترسید؟ خدا حالا من در راس یک ملتی قرار گرفته ام من ریاستی پیدا کرده ام میترسم در این مقام بلغزم و حقوق ملت را ضایع کنم من از ریاست میترسم در مقابل آن قیافه ها در آن بحران جوانی نترسیدم مالک نفس بودم اما این مقام غیر از آن مقام است این مقام خطرناک است خطرناکتر از آن مقام است.

دوستان این نفس اماره به سامان شدنی نیست این نفس بد اندیش به سامان شدنی نیست این کافر بدکیش مسلمان شدنی نیست

این نفس است که وقتی که میبیند آرام است وسایل ندارد میبیند به کسی اذیت نمیکند نمیتواند این امتحان شده است. یکی از مهمترین خطر برای انسان خطر روح انسان و نفس انسان و مغز انسان است و اگر حب ریاست درش پیدا شود این خطر، خطر است و انسان از این راه به گناه میافتد و ما چقدر در این باره تجربه داریم، دوستان اگر مانعی نبود اگر مقتضی بود آن چه که من در این ایامی که در قم بودم تا حال تجربه هایی درباره رفقایم طلاب و غیر طلاب و امثال اینها، از خطرهای این حب ریاست دیده اند که برای شما بشمارم تعجب خواهید کرد بخدا پناه ببرید از نفس خودتان و برگردید و خودتان را ملامت کنید و به صفحه دلتان رجوع کنید اگر چنانچه ببینید در این صفحه خطوط باطل است پاک کنید تا منزه شوید ای دوستان وقتی که بسجده میروید و سبحان ا... میگویید هر سبحان الهی که گفتید و او را به تزیه یاد کردید دنبالش به خود هم برگردید بگویند ای خدای منزّه «زهنی» خدا تو پاکیزه ای من هم امدم تا من را هم پاکیزه کنی اندیشه من و فکر من و مغز من از این اندیشه های خطرناک پاکیزه شود و روان من از صفتهای خطرناک پاکیزه شود و عمل و بدن من از کردار زشت و خطرناک پاکیزه شود خدایا به من یک صفت حیابده تا مغزم از تو حیا کند حب ریاست پیدا نکند روح حیا کند صفات رذیله را بزدايد و بدنم حیا کند و بسوی کار زشت اقدام نکند، یک توجهی هم به